

فلسفه تربیتی انتظار:

رویکردی به نقش مدارس در تربیت نسل منتظر

رحمت‌اله مرزوقی *

الهام راضی **

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۱۵

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

چکیده

ادیان مختلف آسمانی، ظهور منجی رهایی‌بخشی را بشارت داده‌اند که حکومتی سرشار از اعتدال را در سراسر جهان برپای می‌سازد، اما باید گفت این اندیشه منجی‌گرایی و انتظار ظهور در میان شیعیان دارای جایگاه بسیار والایی است. از آنجاکه ظهور منجی و بشارت‌دهنده آخرالزمان، بدون فراهم‌ساختن بستر و زمینه لازم محقق نمی‌شود، تربیت نسلی مهدی‌باور و منتظر ضرورت می‌یابد. در این راستا، استفاده از نیروی نفوذ و اثرگذاری تعلیم و تربیت در راستای تربیت انسان‌هایی منتظر اساسی می‌باشد. مطالعه حاضر، با هدف تحلیل فلسفه تربیتی انتظار و نقش مدارس در تربیت نسل منتظر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع اسنادی نگاشته شده است. در این نوشتار، تلاش شده است تا ضمن مفهوم‌شناسی انتظار و فلسفه تربیتی انتظار با رجوع به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تمامی گزاره‌های مندرج در آن که مرتبط با تربیت نسل منتظر و مهدوی می‌باشد، استخراج شود. نتایج حاصل نشان داد، اگرچه گزاره‌های سند مذکور از بعد نظری قوی می‌باشند، اما در حیطه عمل، موفقیت‌چندانی حاصل نشده است. لذا در این مطالعه، بر مبنای مطالعات اسنادی صورت‌گرفته، چارچوب مفهومی یک برنامه آموزشی برای پیاده‌سازی آرمان‌های تربیت نسلی مهدی‌باور در مدارس ارائه شد. در انتها نیز پیشنهادها، پژوهشی و کاربردی برای توجه بیشتر به این موضوع در حوزه اندیشه و عمل مطرح شد.

کلیدواژه‌ها: انتظار؛ فلسفه انتظار؛ نسل منتظر؛ تعلیم و تربیت؛ آموزش و پرورش؛ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

* استاد گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه شیراز rmarzoghi@rose.shirazu.ac.ir

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه شیراز e.razi7069@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

شاید در بین ادیان نتوان دینی را یافت که به نوعی اندیشه آینده در آن یافت نشود؛ از اعتقاد به ظهور مسیحا در یهودیت، مفهوم فارقلیط به معنای نجات‌دهنده و اندیشه عروج مسیح به آسمان در مسیحیت، از سوشیانت در زرتشت گرفته تا اعتقاد به اوتارها در بودیسم و مظاهر برهمن، به نوعی، همه موضوعاتی درباره فرجام‌اندیشی در ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی بوده‌اند (فلاح‌رفیع، ۱۳۸۶: ۲۰۵). به طور کلی، ادیان مختلف آسمانی، ظهور منجی و رهایی‌بخشی را بشارت داده‌اند که ظلم و استکبار جهانی را ریشه کن کرده و حکومتی مملو از اعتدال و حقانیت را برپای می‌سازد، اما اندیشه "منجی‌گرایی" و "انتظار" در میان شیعیان، عمیق‌تر بوده و دارای جایگاه بسیار والایی است. اندیشه "مهدویت" به عنوان یکی از ارکان اساسی اندیشه شیعه، موجب امیدواری افراد و پایداری بیشتر آنان در برابر ظلم و استکبار دشمنان می‌شود. به همین دلیل است که دشمنان اسلام و به ویژه دشمنان شیعه، در تلاشند تا تبلیغاتی را علیه اعتقاد به ظهور منجی الهی رواج دهند تا بدین وسیله به تدریج منجی‌گرایی را که نیروی اصلی پایداری و مقاومت شیعیان می‌باشد، متزلزل سازند. از سوی دیگر، باید به این نکته توجه داشت که ظهور منجی و بشارت‌دهنده آخرالزمان، بدون فراهم ساختن بستر و زمینه لازم محقق نمی‌شود. همان‌گونه که خداوند در سوره مبارکه رعد آیه ۱۱ می‌فرماید: "إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ" (خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنها خود را تغییر دهند)؛ لذا تربیت نسلی مهدی‌باور و منتظر حقیقی، امری لازم و ضروری است. زیرا مهدویت و انتظار در رویکرد شیعی، تنها ناظر به آینده نیست، بلکه به عنوان مکتبی تربیتی برای انسان معاصر است که با دربرداشتن اهداف، اصول و روش‌های خاص خود، او را برای آینده پرورش می‌دهد (نجفی و همکاران، ۱۳۹۲). توجه به این موضوع به ویژه در رابطه با کودکان و نوجوانان که زمینه پذیرش بیشتری دارند، حائز اهمیت بسزایی است، اما اکنون این سؤال پیش می‌آید که آیا انجام این مهم تنها برعهده خانواده است یا جامعه و نظام تعلیم و تربیت نیز در آن دخیل می‌باشند؟

در دوران فعلی و در کشور ما، نظام تعلیم و تربیت، نقش مهمی در ترویج ایدئولوژی برعهده گرفته است و در امر ترویج دین چه به صورت برنامه‌های آشکار یا صریح و چه به صورت برنامه‌های ضمنی، نقش مهم و کارآمدی را ایفا می‌کند (خالق‌خواه و مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

در عین حال، پدیده جهانی شدن و آثار و تبعات مختلف آن و نیز ورود و شیوع انواع ناهنجاری‌های اخلاقی، رفتاری، اجتماعی و فرهنگی در جوامع بشر امروز، که به‌عنوان نتایج و دستاوردهای منفی و ناخوشایند پیشرفت‌های مادی و صنعتی انسان قرن بیست و یکم تلقی می‌شود، ضرورت توجه سازمان‌یافته به تربیت دینی و تربیت نسل منتظر به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم تربیت دینی را دوچندان کرده است (امینی و همکاران، ۱۳۹۱؛ قاسم‌نژاد و لک‌زایی، ۱۳۸۹).

در حقیقت، تعلیم و تربیت به‌عنوان مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی، قادر به انتقال و هدایت فکری نسل نو می‌باشد (مرزوقی، ۱۳۸۷: ۱۲۸). از این رو، استفاده از نیروی نفوذ و اثرگذاری آن در راستای تربیت انسان‌هایی دین‌دار و منتظر بسیار کارآمد است. اما این مسئله در صورتی محقق می‌شود که نظام تربیتی ما مبتنی بر رویکرد و فلسفه تربیتی انتظار باشد (مرزوقی، ۱۳۸۷: ۲۸۵). بدین معنا که اهداف، محتوا و روش‌های به‌کارگیری در نظام تعلیم و تربیت برای تربیت نسلی باشد که ایمان قوی به حضور و ظهور منجی داشته و زمینه‌های فرج آن حضرت را فراهم آورند. از این رو، از جمله گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت که در قسمت بیانیه‌های ارزشی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز بدان اشاره شده است، توجه به آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار به‌عنوان مهم‌ترین رسالت منتظران می‌باشد.

علی‌رغم توجه به این مهم در حوزه نظری، پژوهش‌ها نشان داده است که در حوزه عمل، برنامه‌های درسی و آموزشی نظام تعلیم و تربیت با ضعف و کاستی‌هایی روبه‌روست که خود مانع نمود یافتن آرمان‌های تربیت نسل منتظر در حوزه عمل می‌شود (هرندی و همکاران، ۱۳۹۵؛ نیک‌پناه و همکاران، ۱۳۹۱). ضعف محتوای آموزشی، شیوه‌های آموزشی، محیط یادگیری، سواد تربیتی معلمان در این حوزه از جمله علل کاهش کیفیت عملکردی برنامه‌های تربیت نسلی منتظر در مدارس است (نیک‌پناه و همکاران، ۱۳۹۱؛ میرعارفین، ۱۳۹۰) که نیازمند توجه اصولی و مدبرانه سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان نظام تعلیم و تربیت کشور است.

نظر به آنچه گفته شد، از یک سو با توجه به اهمیت و ضرورت مسئله انتظار و تربیت نسل منتظر و از سوی دیگر، جایگاه تأثیرگذار نظام تعلیم و تربیت در فراهم آوردن بستر تربیت چنین افرادی، در مطالعه حاضر تلاش شده است تا نقش مدارس در تربیت نسل منتظر را با نگاه به فلسفه تربیتی انتظار مورد تحلیل قرار داده و در انتها چارچوب مفهومی یک برنامه آموزشی برای بهبود روند تلاش‌های نظام مذکور در تربیت منتظران موعود ارائه شود. چارچوب مذکور با توجه به هشت عنصر کلیدی و

اساسی هر برنامه آموزشی (اهداف آموزشی، مفهوم یادگیری، مفهوم فراگیرنده، منابع یادگیری، محیط یادگیری، روش‌های یادگیری، نقش معلم و ارزشیابی) ارائه شده است و در هر عنصر، پیشنهادها و راهکارهایی برای تدوین برنامه‌های تربیتی نسلی مهدی‌باور و منتظر حقیقی بیان شده است. امید است که این مطالعه ضمن فراهم آوردن دیدگاه نظری نسبتاً جامع برای دیگر پژوهشگران علاقه‌مند در این حوزه، به مسئولان و برنامه‌ریزان آموزشی کشور کمک کند تا در پیاده‌سازی و اجرایی‌سازی اهداف مذکور در سند تحول بنیادین در راستای تربیت نسل منتظر و زمینه‌ساز حکومت عدل جهانی حضرت مهدی (عج)، تجدید نظرهایی را اعمال و تلاش‌هایی جدی‌تری را در حوزه عمل پیش گیرند.

مبانی نظری

مفهوم‌شناسی انتظار

واژه انتظار و مشتقات آن در لغت به معنای "چشم‌داشتن" و "چشم‌به‌راه‌بودن" است (فرهنگ لغت عمید، ۱۳۸۹: ۱۷۵). انتظار همان‌گونه که از معنای لغوی آن برمی‌آید، نوعی امیدواربودن را دربر دارد؛ این ویژگی انتظار تنها مختص دین یا مذهب خاصی نبوده، بلکه به‌عنوان اصلی فطری برای ادامه بقا و حیات تمامی انسان‌ها شناخته شده است (اسعدی، ۱۳۹۳). درحقیقت، همین احساس امیدواری و چشم‌داشتن به آینده‌ای روشن است که موجب می‌شود، دشواری‌ها و سختی‌های زندگی برای انسان‌ها تحمل‌پذیر شود. هدف اصلی ما در این پژوهش توجه به معنای واژه انتظار در فرهنگ اسلامی و به‌ویژه شیعی می‌باشد. اصطلاح انتظار در فرهنگ شیعی که اغلب با پسوندی از قبیل، فرج، قیام و ظهور همراه است، به معنای امید به آینده روشن، امید به دگرگونی و گشایش عظیم، امید به رویدادی نجات‌بخش و عزت‌آفرین و امید به فرارسیدن ظهور موعود منجی است (صمدی، ۱۳۸۸). انتظار فرج، انتظار گشایش و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و بیداد و انتظار تحقق‌یافتن آرمان‌های بزرگ عدالت‌خواهی، اصلاح‌طلبی و ظلم‌ستیزی به رهبری ولی عصر می‌باشد (داوودپور، ۱۳۸۸). انتظار یا آینده‌نگری به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضعی بهتر تلاش می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۶). باین‌نگاه، انتظار تنها یک احساس درونی و فارغ از عمل نیست. در فرهنگ

شیعی شخص منتظر دارای احساس انتظار منفعلانه‌ای نیست، بلکه احساس انتظار وی با نوعی قیام و ایستادگی در برابر ظلم و استکبار زمانه همراه است تا زمینه را برای ظهور آن منجی موعود آماده سازد. چنین انتظاری، چگونه بودن و ویژگی‌های شخص منتظر را نیز مشخص می‌سازد که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

ویژگی‌های انسان منتظر

همان‌گونه که بیان شد، انتظار تنها یک احساس و حالت روانی نمی‌باشد، بلکه اساس و شالوده آن "عمل کردن" است. در ادبیات پژوهشی، دسته‌بندی‌های متعددی از ویژگی‌ها و شاخص‌های نسل منتظر بر مبنای آیات و روایات ارائه شده است. قاسم‌نژاد و لک‌زایی (۱۳۸۹)، به بیان ویژگی‌های انسان منتظر از دیدگاه امام رضا (ع) پرداخته‌اند. این ویژگی‌ها عبارتند از: توجه به آینده و ایمان به آن، آمادگی، تفکر جهانی، زیستن با یاد او، خدامحوری، دین‌محوری، عدالت‌خواهی و تجلیگاه ویژگی امام‌زمان بودن. صمیمی (۱۳۹۰) نیز به معرفی ویژگی‌های انسان منتظر در چهار بعد فکری (شناخت امام عصر و وظایف شخص منتظر بر مبنای عقل و فهم)، روحی - روانی (امید به آینده، تحرک و پویایی، صبر و مقاومت در برابر مشکلات، آرمان‌خواهی و آرمان‌طلبی)، اخلاقی (تربیت و پرورش صفات اخلاقی نیک در فرد) و عملی (دین‌داری، روحیه ظلم - ستیزی، امر به معروف و نهی از منکر) پرداخته است. حیدری‌فر و مقدسی (۱۳۹۵) در رویکردی نسبتاً مشابه ویژگی‌های یاران حضرت مهدی را در چهار شاخص جسمی (جوان بودن، برخورداری از روحیه جهادی)، روحی (ایمان عمیق و استوار، بصیرت و روشن‌دلی، داشتن روحیه سلحشوری و شهادت‌طلبی، داشتن روحیه شکست‌ناپذیری)، اخلاقی (خداهراسی، عبادت و بندگی راستین، دوستداری متقابل آنان و خدا) و رفتاری (ولایت‌مداری، دانش و توانش همه‌سویه، فروتنی در برابر مؤمنان، صلابت و نستوهی در برابر ستمکاران، استوارگامی و بی‌باکی از ملامت‌کنندگان) تبیین نموده‌اند. گرجیان و کبیری (۱۳۹۵) نیز به تبیین ویژگی‌های یاران امام مهدی (عج) از نگاه امام صادق (ع) پرداخته‌اند. تقوا و ورع، صدق، درستی و تلاش، ادای امانت به نیکوکار و بدکار، طولانی‌تر کردن سجده‌ها، قیام و شب‌زنده‌داری، دوری از گناهان و محارم و انتظار فرج با صبر، بخشش، نشر نیکی‌ها، خودداری از زشتی‌ها، پلیدی‌ها، خوش‌رویی، نصیحت و رحمت و دلسوزی نسبت به مؤمنان از جمله این ویژگی‌ها می‌باشند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۳۶۱).

علی‌رغم تعدد و تنوع ویژگی‌های یادشده، به‌طور کلی، ویژگی‌های منتظران حقیقی ظهور

موعود آخرالزمان و یاران آن حضرت را می‌توان در ابعاد فکری، روحی و رفتاری طبقه‌بندی نمود. فکر، زیربنای اعمال و رفتار انسان است و باورهای اساسی، حیات آدمی را در حصار خود حفظ می‌کند (صمیمی، ۱۳۹۰). در این راستا، شاخص‌های ادراکی و معرفتی با تأکید بر افزایش آگاهی و معرفت مبتنی بر بصیرت و تعقل افراد پیرامون امام عصر، فلسفه غیبت و انتظار و مسئولیت‌های خویش در عصر انتظار مطرح می‌شوند (گودرزی، ۱۳۸۶؛ امینی و همکاران، ۱۳۹۱). در بعد روحی، تسکین و آرامش روانی، برخورداری از روحیه امیدواری به آینده و خوش‌بینی به آن، ایمان به خدا، محب خدا و امام عصر بودن، آرمان‌طلبی، داشتن روحیه شهادت‌طلبی و شکست‌ناپذیری و سلحشوری بیان می‌شود (حیدری فر و مقدسی، ۱۳۹۵؛ امینی و همکاران، ۱۳۹۱؛ صمیمی، ۱۳۹۰). در نهایت، در بعد رفتاری یا عملی شاخص‌های امر به معروف و نهی از منکر، صبر و مقاومت در برابر مشکلات، افزایش قابلیت‌ها و تخصص‌های خود به منظور آماده‌سازی خود برای کارگزاری در حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عج)، خودسازی فردی و دگرسازی و ولایت‌مداری حائز اهمیت است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۲؛ حیدری فر و مقدسی، ۱۳۹۵؛ گودرزی، ۱۳۸۶؛ قاسم‌نژاد و لک‌زایی، ۱۳۸۹).

شایان ذکر است با توجه به اینکه مهدی‌پروری و انتظار، نوعی مکتب تربیتی است، هریک از ویژگی‌های مطرح‌شده نیز در حقیقت، نشانگرهای تربیتی هستند که لازم است در محوریت برنامه‌های تربیتی قرار گیرند. در نتیجه، از این ویژگی‌ها به عنوان اهداف و چشم‌اندازهای کلی می‌توان یاد کرد و بر مبنای آنها برنامه‌های عملیاتی و تفصیلی‌تر را طراحی و پیاده‌سازی نمود.

فلسفه تربیتی انتظار

مهدویت در حقیقت، نوعی مکتب تربیتی است که در آن منتظران با آماده‌سازی خود، زمینه ظهور آن حضرت را فراهم می‌آورند. حقیقت آن است که مهدی‌باوری، صرفاً یک مسئله اعتقادی نیست، بلکه تحولات گوناگون هیجانی، عاطفی، احساسی و رفتاری را در فرد ایجاد می‌کند و او را بر می‌انگیزاند تا خود را برای یآوری امام مهدی (عج) مهیا سازد (باقری، ۱۳۸۰: ۳۳). مهدویت و تربیت از دو منظر دارای ارتباطی نزدیک و عمیق با یکدیگر می‌باشند: از یک سو، تربیت صحیح و پرورش نیروهای مخلص و معتقد به مهدویت زمینه هرچه سریع‌تر قیام آن حضرت را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، بر اساس روایات متعددی که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است، با ظهور مهدی موعود (عج) تربیت الهی و معنوی در عصر ظهور آن حضرت به بالاترین سطح خود

می‌رسد (احسانی، ۱۳۹۰: ۷۶). در واقع، اندیشه مهدی‌باوری و انتظار بر اصول رفتاری و تربیتی افراد تأثیرگذار بوده و در صورت هدایت صحیح افراد، زمینه رشد و تربیت مطلوب آنان به سمت کمال میسر می‌شود.

در این راستا، موسوی (۱۳۸۸) دلالت‌های تربیتی مهدویت را در سه بعد بینشی، گرایشی و رفتاری معرفی کرده است. دلالت‌های تربیتی در حوزه بینش‌ها عبارت است از کمک در شناخت معیارهای حق و باطل، خردورزی، نجات از دام شک‌گرایی و تزلزل در حوزه اندیشه و تعمیق بینش و بصیرت مهدوی؛ در حوزه گرایش‌ها شامل تخلُّق به فضایل انسانی، امید به آینده روشن، صبر و استقامت، وابستگی‌نداشتن و تسلیم‌نشدن به اوضاع موجود، شجاعت و شهامت در تغییر اوضاع و شرایط، جوشش عواطف معنوی سازنده، هویت‌بخشی و رهایی از پوچی و بی‌هدفی است و در نهایت در حوزه رفتارها، پویایی و سازندگی، تعهد و مسئولیت، مدیریت تحول، مجاهدت در برپایی حق، عدالت‌گرایی، وحدت و همگرایی را دربر می‌گیرد (موسوی، ۱۳۸۸).

لازم به ذکر است به منظور نهادینه کردن فرهنگ انتظار در جامعه و عمق و وسعت بخشیدن به آن، وجود برنامه‌ریزی‌های صحیح و واقع‌بینانه و فراهم‌ساختن بسترهای لازم، ضروری است (پهلوان، ۱۳۸۵). در این راستا بهره‌گیری از ظرفیت نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور به دلیل گستردگی نفوذ و مشروعیت اجتماعی آن بسیار راهگشاست. برای این منظور، نظام تعلیم و تربیت با اتخاذ مجموعه تدابیر و اقدامات سنجیده و منظم می‌تواند زمینه‌ساز نهادینه‌شدن فرهنگ انتظار و تقویت مهدی‌باوری در افراد گردد. با توجه به اهمیت این مسئله، در ادامه به بیان نقش مدارس در تربیت نسل منتظر پرداخته خواهد شد.

نقش مدارس در تربیت نسل منتظر

نهاد تعلیم و تربیت رسمی از دیرباز تاکنون نقش بسیار مهمی در توسعه و پیشرفت جوامع ایفا کرده است. در این میان، مدارس به‌عنوان نظام تربیتی که به تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان به‌عنوان سرمایه‌های مهم هر کشوری همت می‌گمارند، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. از سوی دیگر، یکی از مسائل بسیار مهم در فرهنگ شیعی، آشنایی نسل نو با امام عصر خود و رواج فرهنگ ظهور است. زیرا تربیت مهدوی نسل نو، نقشی محوری و مهم در زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر (عج) فراهم می‌آورد. بنابراین، ضروری است که نظام آموزش و پرورش حاکم بر جامعه منتظر، بر مبنای مکتب مهدویت و فرهنگ انتظار بنا نهاده شود. با این نگاه، اهداف، روش‌ها و

اصول و همچنین محتوای دروس ارائه شده در نظام آموزش و پرورش مهدوی نیز متفاوت خواهد بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، شاهد تلاش هایی به منظور گسترش اندیشه های مرتبط با انتظار و مهدویت بوده ایم که با تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای نخستین بار در متن آن به صراحت به برخی اصول، مبانی و اهداف در زمینه تربیت مهدوی فراگیران، انتقال آموزه های مهدویت و ترویج فرهنگ مهدویت برای زمینه سازی ظهور آن حضرت اشاره شده است (بقایی و همکاران، ۱۳۹۲). در ادامه، مطالب مرتبط با تربیت مهدوی که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در قالب گزاره های ارزشی، چشم انداز، هدف های کلان، هدف های راهبردی و هدف های عملیاتی و راه کارها بیان شده است انتخاب و در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱. تعلیم و تربیت مهدوی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

<p>۱. آموزه های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه (س) و ائمه معصومین (ع) به ویژه امام زمان (عج) و ولایت مداری در تمام ساحت ها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی) (ص ۱۷، مورد ۱، سطر ۱۵-۲۰)</p>	<p>گزاره های ارزشی</p>
<p>۲. آموزه های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است، به عنوان مهم ترین رسالت منتظران در عصر غیبت (ص ۱۶، مورد ۲، سطر ۳)</p>	<p>گزاره های ارزشی</p>
<p>۳. وطن دوستی و افتخار به ارزش های اصیل و ماندگار به ارزش های اصلی و ماندگار اسلامی - ایرانی و اهتمام به برپایی جامعه مهدوی (ص ۱۸، مورد ۲۰، سطر ۵)</p>	<p>گزاره های ارزشی</p>
<p>نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴، با اتکا به قدرت لایزال الهی، مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی و قوام بخش آنها و زمینه ساز جامعه جهانی عدل مهدوی (عج) و برخوردار از توانمندی های تربیتی ممتاز در طراز جهانی، توانمند در زمینه سازی برای شکوفایی فطرت و استعدادها و شکل گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی، ایرانی دانش آموزان باتوجه به هویت اختصاصی آنان؛ کارآمد، اثربخش، یادگیرنده، عدالت محور و مشارکت جو، برخوردار از مرییان و مدیران مؤمن آراسته به فضائل اخلاق اسلامی، عامل به عمل صالح، تعالی جو و تحول - آفرین، انقلابی، آینده نگر، عاقل، متعهد، امین، بصیر، حق شناس (ص ۲۱، سطر ۱-۱۳)</p>	<p>چشم انداز</p>
<p>۱. تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت جو و عاقل، عدالت خواه و صلح جو، ظلم ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن دوست، مهرورز، جمع گرا و جهانی اندیش، ولایت مدار و منتظر و تلاش گر در برای تحقق عدل جهانی (ص ۲۴، مورد ۱، سطر ۱-۶)</p>	<p>چشم انداز</p>

فلسفه تربیتی انتظار: رویکردی به نقش مدارس در تربیت نسل منتظر		۱۰۵/
هدف‌های کلان	۲. ارتقای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه‌سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی در راستای تحقق جامعه عدل مهدوی (عج) باتأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی (ص ۲۴، مورد ۲، سطر ۱۱-۱۵)	
راهبردهای کلان	۱. نهادینه کردن نگاه یکپارچه به فرایند تعلیم و تربیت با رویکرد تعالی‌بخشی در کلیه مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (ص ۲۶، مورد ۲، سطر ۱۳ - ۱۵) ۲. بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی (ص ۲۷، مورد ۷، سطر ۴-۵) ۳. تعامل اثربخش و فعال نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با سایر نهادها و دستگاه‌های مرتبط به‌ویژه نهاد خانواده و رسانه باتأکید بر کاهش مرزهای تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی (ص ۲۷، مورد ۱۰، سطر ۱۲-۱۵) ۴. ارتقای معرفت و بصیرت دینی، انقلابی و سیاسی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی معلمان و دانش‌آموزان و مشارکت برای ارتقای معنوی خانواده (ص ۲۷، مورد ۱۰، سطر ۱۲ - ۱۵)	
هدف‌های عملیاتی و راهکارها	۱. پرورش تربیت‌یافتگانی که دین اسلام را حق دانسته و آن را به‌عنوان نظام معیار می‌شناسند و به آن باور دارند و آگاهانه، آزادانه، شجاعانه و فداکارانه برای تکوین و تعالی اخلاقی خود و دستیابی به مرتبه‌ای از حیات طیبه و استقرار حکومت عدل جهانی مهدوی از آن تبعیت می‌نمایند و به رعایت احکام و مناسک دین و موازین اخلاقی مفید هستند (ص ۳۰، سطر ۱-۶): راهکار ۱. طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی ملی براساس اسناد تحول راهبردی و بازتولید برنامه‌های درسی موجود باتأکید بر بهره‌گیری از تجهیزات و فناوری‌های نوین آموزشی و تربیتی در راستای اهداف (ص ۳۳، سطر ۱، ۲، ۸) راهکار ۲. ایجاد سازوکارهای ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ ولایت‌مداری تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر، روحیه جهادی و انتظار، زمینه‌سازی برای استقرار دولت عدل مهدوی باتأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت حوزه علمیه و نقش الگوی معلمان و اصلاح روش‌ها (ص ۳۳، سطر ۱-۵) ۲. تعمیق تربیت و آداب اسلامی، تقویت اعتماد و التزام به ارزش‌های انقلاب اسلامی (ص ۳۳، مورد ۲، سطر ۱۶ و ۱۷) راهکار. استفاده از ظرفیت‌های برنامه درسی، منابع آموزشی، شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات، کتابخانه، فرصت اردوها و فعالیت‌های بدون مدرسه به‌ویژه مساجد و کانون‌های مذهبی برای تقویت معرفت و باور به معارف الهی به‌ویژه اعتقاد به توحید و معاد و ولایت و انتظار با رویکرد قرآنی، روایتی و عقلانی در دانش‌آموزان (ص ۳۵، سطر ۶-۱۱) ۳. افزایش مشارکت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و مدرسه و معلمان و دانش‌آموزان در رشد و تعالی کشور در عرصه‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی در سطح محلی و ملی به‌عنوان نهاد مولد سرمایه انسانی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی (ص ۴۲، مورد ۸، سطر ۱-۶) راهکار. تبیین دستاوردهای علمی و فنی تمدن اسلامی - ایرانی در برنامه‌های درسی و آموزشی و تقویت باور و روحیه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان برای تحقق تمدن نوین اسلامی در راستای دستیابی به جامعه عدل مهدی (عج) (ص ۴۲، سطر ۱-۳)	

منبع: سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)

به منظور بررسی مسئله مهدویت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نخست به میزان توجه محتوای سند مذکور به ویژگی‌های منتظران واقعی پرداخته می‌شود. ایمان به خدا و آموزه‌های دین، ولایت‌مداری و عدالت‌خواهی را می‌توان جزو مشخصه‌های اصلی و بنیادین یک منتظر حقیقی و راستین دانست. بر همین اساس، در قسمت گزاره‌های ارزشی سند نیز به این سه ویژگی مهم اشاره شده است (جدول ۱). ویژگی‌های دیگر نیز که در پرتو برخورداری از ویژگی‌های اصلی شکل می‌گیرند در قالب هدف‌های کلان سند مطرح شده است. در حقیقت، در بخش هدف‌های کلان به بیان ویژگی‌هایی از قبیل ایمان، حقیقت‌جویی، ظلم‌ستیزی، جهادگری، شجاعت، ایثارگری، مهرورزی و ... پرداخته شده است که به نوعی همان ویژگی‌ها و صفات الهی است که لازم است در شخص منتظر تبلور یابد. لازم به ذکر است، اگرچه به طور مستقیم به چگونگی پرورش خصیصه شناخت منجی و محب وی بودن اشاره‌ای نشده است، اما زمانی که بحث آگاهی افراد به آموزه‌های بنیادین مهدویت در گزاره‌های ارزشی بیان می‌شود و یا در قسمت بیان اهداف کلان که مسئله تعمیق بصیرت و معرفت دینی و سیاسی طرح می‌شود، بالطبع شناخت منجی به عنوان رکن اساسی این انتظار و رهبر این راه و همچنین شکل‌گیری محبت قلبی بین منتظران، ضرورت می‌یابد.

با تأمل در مطالب ذکر شده در جدول (۱) روشن می‌شود که در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش در سطح کلان و خرد به موضوع مهدویت و تربیت نسل منتظر توجه شده است. اما تحقق وضعیتی ایدئال که در آن، مفهوم نسل منتظر و مهدی‌باور به معنای واقعی نمود پیدا کند، در عرصه عمل با موفقیت‌چندانی روبه‌رو نبوده است. گواه این مسئله، ضعف کتاب‌های درسی در آشنایی با اندیشه‌های مهدوی (نیک‌پناه و همکاران، ۱۳۹۱)؛ توجه اندک به نمادها و مؤلفه‌های مهدویت و آموزش آن در منابع آموزشی (امینی و همکاران، ۱۳۹۱) توجه به اهداف شناختی و غفلت از اهداف حیطه عملی و همچنین به‌روزنبودن دانش حرفه‌ای معلمان در این حوزه (میرعارفین، ۱۳۹۰) می‌باشد. شاید بتوان مهم‌ترین علت این امر را عدم بیان شیوه‌های انجام و پیاده‌سازی ایده‌ها و آرمان‌ها به نحو دقیق و بارز که در مطالعات نظام‌مند پژوهشی مرسوم است، دانست؛ در واقع، در سند مذکور بین مبنای بنا و برنامه، رابطه منظم، روشمند، نظام‌مند و مدونی وجود ندارد (مرزوقی، ۱۳۹۴: ۸۳).

در ادامه، تلاش شده است تا با توجه به عناصر هشتگانه برنامه درسی و مطالعات صورت گرفته در حوزه مهدویت در مدارس، چارچوب مفهومی برنامه آموزشی با محوریت تربیت نسلی منتظر، ارائه

شود. در چارچوب مذکور تلاش شده است تا مهم‌ترین عناصر دخیل و نقش‌آفرین در هر برنامه آموزشی را لحاظ کند و متناسب با هر یک، شاخص‌ها و راهکارهایی برای نمود عملی یافتن آنها ارائه دهد.

چارچوب مفهومی برنامه آموزشی تربیت نسل منتظر

طراحی برنامه‌های آموزشی همه‌جانبه‌نگر و واقع‌بینانه، یکی از مهم‌ترین ابزارهای در اختیار نهاد تعلیم و تربیت رسمی کشور است که امکان محقق‌ساختن اهداف و آرمان‌های تربیتی از طریق آن ممکن و میسر می‌شود. از این رو، به منظور پیشبرد تلاش‌ها و اقدامات این نهاد به سوی تربیت نسلی که ضمن برخورداری از ایمان قلبی به موعود آخرالزمان، در حوزه رفتاری و عملی نیز اعتقاد خود را نمایان سازد، بهره‌گیری از ظرفیت برنامه‌های آموزشی ضرورت می‌یابد. هر برنامه آموزشی مشتمل بر عناصر متعددی است، اما در یک نگاه کلی تأثیرگذارترین عناصر یک برنامه را می‌توان شامل اهداف، مفهوم یادگیری، فراگیرنده، نقش معلم، منابع یادگیری، محیط یادگیری، روش‌های یادگیری و ارزشیابی دانست (مرزوقی، ۱۳۹۵: ۱۴۲).

به‌طور کلی، در حوزه تربیت نسلی منتظر، اهداف آموزش را می‌توان در سه بعد: فکری، روحی - عاطفی و رفتاری یا عملی طبقه‌بندی نمود (حیدری‌فر و مقدسی، ۱۳۹۵؛ صمیمی، ۱۳۹۰). شایان ذکر است طراحی و تدوین تمامی اهداف باید بر محوریت بینش، آگاهی، عقلانیت و پذیرش درونی استوار باشد (عبداللهی و موسوی‌نسب، ۱۳۹۳). مفهوم یادگیری نیز با توجه به تغییر و تحولات عصر حاضر و ظهور فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات شکلی نو به خود گرفته است و از حالت یادگیری محدود و معلم‌محور به سوی یادگیری نامحدود و فراگیرنده محور در حال دگرگونی است. از این رو، در برنامه‌های آموزشی مهدویت لازم است این سیر تحول مدنظر قرار گیرد. همچنین با توجه به نقش مهم هر یک از دانش‌آموزان، لازم است تفاوت‌های فردی آنها در ابعاد مختلف وجودی مورد توجه معلم و سایر مسئولان نظام آموزشی قرار گیرد (امینی و همکاران، ۱۳۹۱). معلمان نیز در جایگاه تسهیل‌گران و راهنمایان در این مسیر باید خود را مجهز به ویژگی‌های علمی و اخلاقی ضروری سازند و با بهره‌گیری از روش‌های متعدد و متنوع آموزشی پیشبرد برنامه‌های تربیتی مهدویت را در عمل کارآمد و اثربخش سازند (میرعارفین، ۱۳۹۰). به علاوه، منابع آموزشی مورد استفاده در کلاس درس نیز شایسته است که ضمن دربرداشتن مفاهیم و اصول اساسی، از تنوع و جذابیت لازم نیز برخوردار باشد. این مسئله می‌تواند موجب برانگیختن

دانش آموزان و افزایش رغبت آنها به فراگیری شود. از سوی دیگر، معلمان و سایر مسئولان و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت باید تلاش خود را به کارگیرند تا محیط یادگیری را به گونه‌ای تنظیم کنند که دانش‌آموزان، بسیاری از آموزه‌های اساسی مهدویت را از طریق مشاهده عینی و دعوت‌پذیری عملی در درون خود نهادینه سازند (عبدالهی و موسوی‌نسب، ۱۳۹۳). در نهایت نیز به منظور اطمینان از موفقیت آمیز بودن برنامه‌ها، ارزشیابی ضرورت می‌یابد (میرعارفین، ۱۳۹۰). در این میان، تأکید بر خودارزشیابی از جمله مسائل مهمی است که در آموزه‌های مهدویت شایسته توجه می‌باشد (مرزوقی، ۱۳۹۵: ۱۴۳)؛ به این معنا که آموخته‌ها به گونه‌ای در درون فرد نهادینه شده است که خود قادر به ارزشیابی اعمال و رفتار خود باشد. در جدول (۲)، به طور دقیق‌تر شاخص‌ها و راهکارهای هر یک از عناصر مذکور برای پیاده‌سازی اهداف تربیتی نسل منتظر ارائه شده است.

جدول ۲. چارچوب مفهومی برنامه آموزشی تربیت نسل منتظر

عناصر	شاخص‌ها
اهداف آموزشی	بعد فکری: توجه به بینش و آگاهی در اصول تربیتی، کسب معرفت لازم (معرفت امام، معرفت الهی، خودشناسی، دشمن‌شناسی، شناخت طبیعت) بعد روحی - عاطفی: روحیه امیدواری و خوش‌بینی به آینده، ایمان به خدا، محب خدا و امام عصر بودن، آرمان‌طلبی، روحیه شهادت‌طلبی و شکست‌ناپذیری بعد رفتاری: امر به معروف و نهی از منکر، صبر و مقاومت، افزایش قابلیت‌ها و تخصص‌های موردنیاز، ولایتمداری
مفهوم یادگیری	فرایندی کنترل‌ناپذیر و نامحدود تلفیق یادگیری و تحقیق گسترش رویکرد فراگیرنده‌محور
مفهوم فراگیرنده	توجه به تفاوت‌های فردی، جسمی، روحی، اخلاقی، رفتاری فراگیرنده فراگیرنده به‌عنوان یک عامل فعال در یادگیری و به‌عنوان محقق توجه به مسئولیت اساسی فراگیرنده در یادگیری یادگیرنده به‌عنوان فراگیرنده جهانی
نقش معلم	فراهم‌گر منابع آموزشی، تسهیل‌گر و همیار فراگیر دارای قابلیت‌های اخلاقی (ایمان، صداقت، صبر و حلم، خلاق) و اطلاعاتی لازم
منابع یادگیری	منابع متعدد چاپی و الکترونیکی قصه، شعر، نمایش، نقاشی، موسیقی
محیط یادگیری	یادگیری مشاهده‌ای و دعوت‌پذیری عملی
روش‌های یادگیری	تأکید بر روش‌هایی با محوریت فعال‌بودن دانش‌آموزان: روش‌های حل مسئله، پروژه‌محوری، شیوه یادگیری خودراهبر، خودپایی و خودتنظیمی، همیاری، پرسش و پاسخ، داستان‌گویی، نمایش، طرح الگو و اسوه ایجاد فرصت تأمل با خود تحقیق و مطالعه
ارزشیابی	ارزشیابی فرایندمحور و خودارزشیابی

منبع: مرزوقی، ۱۳۹۵؛ حیدری‌فر و مقدسی، ۱۳۹۵؛ نجفی و همکاران، ۱۳۹۲؛ امینی و همکاران، ۱۳۹۱

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مرور مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مهدویت و انتظار نشان می‌دهد که اغلب آنها به ذکر ویژگی‌های امام زمان و منتظران آن حضرت بسنده نموده و در کم‌تر پژوهشی التزام‌های عملی در راستای ترویج فرهنگ مهدویت و ظهور و تربیت نسل منتظر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که یکی از ضرورت‌های عصر حاضر که در آن، اسلام‌ستیزی و مبارزه با عقیده منجی‌گرایی از سوی دشمنان به اوج خود رسیده است، تربیت نسلی است که با ایمان راسخ در برابر تیرهای دشمن که ایمان افراد را نشانه گرفته‌اند پایداری کرده و صحنه را برای ظهور منجی موعود و فرج آن حضرت آماده سازند. در این میان، نقش نظام آموزش و پرورش رسمی، به‌عنوان نهاد زمینه‌ساز رشد و شکوفایی کودکان و نوجوانان بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در این راستا، لازم است که آموزش و پرورش، تدابیر لازم جهت شناسایی حضرت ولی عصر (عج) به‌عنوان رهبر و هادی امت اسلامی و به‌دنبال آن آگاه‌سازی افراد نسبت به لزوم پیروی از آن حضرت را اتخاذ کند.

از این رو، هدف عمده در این مطالعه، بررسی نقش مدارس در تربیت نسل منتظر بوده است. برای این منظور در گام نخست به بیان مفهوم‌شناسی انتظار در معنای عام و معنای خاص مورد توجه در فرهنگ شیعی که مورد نظر بوده است و همچنین ویژگی‌های شخص منتظر پرداخته شده است. با روشن شدن مفهوم انتظار به‌عنوان مفهوم بنیادین بحث پیش رو، در گام بعدی به مسئله انتظار و مهدویت با نگاهی تربیتی نگریسته شد. بر این اساس، مهدویت، مکتبی است که شاگردان آن درس امید، عشق و انتظار را در حضور استاد عشق به‌خوبی فرا می‌گیرند و زمینه ظهور وی برای برقراری حکومتی سرشار از عدل و داد را فراهم می‌آورند. سپس به نقش مدارس به‌عنوان نهاد مهم تربیتی در تربیت شاگردان مکتب مهدویت پرداخته شد. در این راستا، ارزش‌ها و اهداف ذکر شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مرجع عمل مدارس به تفصیل بیان شد. در نهایت نیز به بیان چارچوب مفهومی برنامه آموزشی تربیت نسلی منتظر براساس عناصر هشتگانه یک برنامه آموزشی پرداخته شد.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که اگرچه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای نخستین بار به بیان شاخص‌هایی برای تربیت نسل منتظر اشاره شده است اما تنها بیان اهداف، تضمین‌کننده کیفیت مطلوب اجرای آنان نمی‌باشد. اکنون آنچه بیش از توجه به مقوله انتظار در

نظام آموزش و پرورش و بیان رسمی آن اهمیت می‌یابد، برنامه‌ریزی‌های دقیق و توان اجرا و عملی ساختن اهداف و برنامه‌ها می‌باشد. شایان ذکر است، به‌منظور پیاده‌سازی اهداف مذکور در سند تحول بنیادین، پژوهش‌هایی کاربردی کمک می‌کنند تا ضمن آسیب‌شناسی موانع اجرای اهداف مذکور، بتوان راه‌کارهایی واقع‌بینانه برای تربیت نسلی منتظر ارائه داد.

در این راستا، ادامه، پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی ارائه می‌شود؛ با این امید که راه‌گشایی برای بهبود وضعیت موجود و دستیابی به هدف والای مورد نظر جامعه که همان پرورش نسلی منتظر است، باشد.

۱. بررسی وضعیت موجود برنامه‌های آموزشی کشور در راستای تربیت نسل منتظر؛
۲. انجام پژوهش‌های میدانی در مقاطع تحصیلی مختلف به‌منظور کاربردی ساختن چارچوب مفهومی برنامه آموزشی ارائه‌شده؛
۳. بررسی موانع پیاده‌سازی و اجرای عملی اهداف بیان‌شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛
۴. بررسی میزان نمود یافتن ویژگی‌های کلیدی شخص منتظر در معلمان به‌عنوان الگوهای عینی دانش‌آموزان؛
۵. تحلیل محتوای کتاب‌های درسی در تمامی مقاطع تحصیلی و سنجش میزان و کیفیت توجه آنان به مسئله منجی‌گرایی و مهدویت؛
۶. بررسی میزان موفقیت و عدم انحراف دانش‌آموزانی که مطابق با آموزه‌های راستین مکتب مهدویت پرورش یافته‌اند هنگام ورود به دانشگاه و همچنین زمان فارغ‌التحصیل شدن؛
۷. بازبینی و تجدیدنظر در برنامه‌های درسی مقاطع گوناگون به‌منظور پیاده‌سازی ارزش‌ها و اهداف مهدویت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛
۸. برگزاری همایش‌هایی در حوزه مهدویت برای دانش‌آموزان و آگاه‌سازی آنان به تلاش دشمنان برای از بین بردن اعتقاد به منجی، به‌گونه‌ای که دریابند منجی‌گرایی تنها مختص به دین اسلام نمی‌باشد و نگاه خود را فراتر برده و به‌عنوان مسئله‌ای جهانی به این موضوع بنگرند؛
۹. برگزاری دوره‌های مهدویت برای معلمان برای افزایش آگاهی آنان و آموزش مهارت‌هایی برای توان انتقال بهتر آموزه‌های مهدویت به دانش‌آموزان و ترغیب آنان به عمل به آموزه‌های این مکتب.

منابع

- احسانی، محمد (۱۳۹۰)، زمینه‌سازی تربیتی مهدویت، معرفت، س ۲۰، ش ۱۶۰: ۷۳-۹۶.
- اسعدی، محمد (۱۳۹۳)، تحلیلی از اصل انتظار در پرتو فلسفه غیبت، مشرق موعود، س ۸، ش ۲۹: ۷۸-۵۵.
- امینی، محمد؛ ماشاءاللهی‌نژاد، زهرا و علیزاده زارعی، مرضیه (۱۳۹۱)، تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمانی و فارسی مقطع ابتدایی از نظر توجه به مهدویت، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س ۶، ش ۱۰: ۷-۲۶.
- باقری، خسرو (۱۳۸۰)، آسیب‌شناسی تربیت مهدوی، انتظار موعود، ش ۲: ۲۹۵-۲۷۶.
- بقایی، حسین؛ مهمان‌دوست، حمید؛ قهرمانی‌فرد، فاضل و قهرمانی‌فرد، کامیار (۱۳۹۲)، الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌اندازی راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور، مشرق موعود، س ۷، ش ۲۶: ۱۸۹-۱۶۵.
- پهلوان، منصور (۱۳۸۵)، بایسته‌های پژوهشی در مسئله مهدویت، سفینه، ش ۱۲: ۱۱۹-۱۴۲.
- جعفری‌هرندی، رضا؛ فقیهی، علی‌نقی و نجفی، حسن (۱۳۹۵)، بررسی و مقایسه میزان توجه به مفاهیم مهدویت در کتب درسی معارف اسلامی آموزش‌وپرورش از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۷، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، س ۱۳، ش ۲۱: ۱۱۹-۱۳۳.
- حیدری‌فر، مجید و مقدسی، روح‌اله (۱۳۹۵)، بررسی سندی و تحلیل دلالتی روایات پیشگویی‌های عصر ظهور با موضوع شاخص‌ها و کارکردهای یاران مهدی موعود، انتظار موعود، س ۱۶، ش ۵۴: ۲۸-۴۸.
- خالق‌خواه، علی و جهانگیری، مسعود (۱۳۸۹)، رویکرد تربیت دینی باتوجه به دو مؤلفه عقل‌محوری، مطالعات تربیت روان‌شناسی، س ۱۱، ش ۲: ۱۲۱-۱۴۴.
- داوودپور، مرتضی (۱۳۸۸)، نقش انتظار فرج در انسجام اسلامی گروه‌های سیاسی - اجتماعی و وظایف دولت زمینه‌ساز، مشرق موعود، س ۳، ش ۱۱: ۴۶-۳۱.
- شورای عالی آموزش‌وپرورش (۱۳۹۰)، سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی ایران.
- صمدی، قنبرعلی (۱۳۸۸)، آموزه انتظار و زمینه‌سازی ظهور، مشرق موعود، س ۳، ش ۱۱: ۱۳۶-۱۱۷.
- صمیمی، سیمین (۱۳۹۰)، عرصه‌های تأثیرگذاری اعتقاد به مهدویت در اصلاح فرد از دیدگاه قرآن و حدیث، آموزش معارف اسلامی، دوره ۳۳، ش ۴: ۴۴-۵۱.
- عبداللهی، ابراهیم و موسوی‌نسب، محمدرضا (۱۳۹۳). نقش روش تلقین در نهادینه‌سازی آموزه مهدویت برای کودکان، انتظار موعود، س ۱۴، ش ۴۷: ۸۲-۱۱۰.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد.
- فلاح رفیع، علی (۱۳۸۶)، مهدویت، فرجام‌اندیشی تاریخ هگل، شیعه‌شناسی، س ۵، ش ۲۰: ۲۰۳-۲۲۷.
- قاسم‌نژاد، زهرا و لکزایی، صغری (۱۳۸۹)، امام رضا و تربیت نسل منتظر، انتظار موعود، ش ۳۳: ۱۳۰-۱۶۰.
- گرچیان، محمد مهدی و کبیری، زینب (۱۳۹۵)، تحلیل کارآمدی انتظار در حیات طیبه، انتظار موعود، س ۱۶، ش ۵۴: ۶-۲۶.

گودرزی، مجتبی (۱۳۸۶)، بررسی رابطه آموزه‌های مهدویت و تعلیم و تربیت اسلامی، مشرق موعود، س ۱، ش ۲: ۱۷۲-۱۸۴.

مجلسی، محمدباقر، بحارلانواری، ج ۵۱، بیروت: دارالمعرفه.

مرزوقی، رحمت‌اله (۱۳۹۴)، نقد متدیک و تنوریک اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات آوای نور.

مرزوقی، رحمت‌اله (۱۳۸۷)، سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار، تربیت اسلامی، س ۳، ش ۷: ۱۳۷-۱۲۷.

مرزوقی، رحمت‌اله (۱۳۹۵)، نظریه‌های ساختاری در پارادایم تعلیم و تربیت، چاپ سوم، تهران: انتشارات آوای نور.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، حکومت جهانی مهدی (عج)، قم: انتشارات نسل جوان.

موسوی، سیدمهدی (۱۳۸۸)، مدرسه مهدوی؛ درآمدی بر فلسفه و نظام آموزش و پرورش زمینه‌ساز، مشرق موعود، س ۳، ش ۱۰: ۱۱۴-۸۵.

میرعارفین، فاطمه‌سادات (۱۳۹۰)، نقد و ارزیابی محتوای کتاب درسی معارف اسلامی (دین و زندگی) دوره پیش‌دانشگاهی از دید صاحب‌نظران و دبیران، دانشور رفتار، س ۱۷، ش ۴۲: ۱۴۹-۱۷۲.

نجفی، محمد؛ هاشمی، فاطمه؛ کیانی، سمیه و رجایی‌راد، حسین (۱۳۹۲)، نگاهی به فلسفه تربیتی انتظار موعود در رویکرد شیعی با تأکید بر اهداف تربیتی، مشرق موعود، س ۷، ش ۲۸: ۵۶-۲۳.

نیک‌پناه، منصور؛ مظلوم‌زاده، سیدمیثم و پورجعفر، منصوره (۱۳۹۱)، بازکاوی ضرورت‌های فرهنگی و ادبی انتظار و ارزیابی میزان آشنایی جوانان با مبانی مهدوی و معیارهای مربوطه، انتظار موعود، س ۱۲، ش ۳۹: ۱۷۲-

۱۹۲.

